دکتر منوچهر فرهنگ؛

مرد ۹۰ ساله اقتصاد ایران

مصاحبه ساده ای نبود با مردی ۹۰ ساله که سالها برای کسب علم و دانش تلاش کرده و اکنون به قول خودش دیگر تمام شده است. او البته تمام نشده بود و تمام نشده است هرچند اگر حافظه اش را از دست بدهد و به تعبیر خودش علمش را فراموش کند. حافظه اش ضعیف شده بود، زمانها را به خاطر نداشت اما «کلمات» را خوب می دید و خوب برمی گزید و هنوز در ۹۰ سالگی با وسواس کلمات را انتخاب می کرد. باری نشستن پای صحبت مردی که رئیس انجمن اقتصاد دانان ایران است و از نسلی است که این روزها کمتر از او یاد و خبری هست، البته سخت است، زیرا به واقع نمی دانی در این مجال تنگ از او چه بپرسی که ارزش پرسیدن داشته باشد. درست به همین دلیل است که در فرصت اندکی که دست داد با توجه به حال مزاجی ایشان از هر دری چیزی گفته شد. از زندگی، خانواده، تحصیل، کار، کتاب تا مسائل امروز اقتصادی کشور. این شتابناکی زاده اضطرابی بود که از سرعت عقربه های ساعت برمی خاست نه پریشانی ما و ایشان. من می خواستم همه چیز را بگوید، غافل از این که «بحر را در کوزه نتوان ریخت». به هرحال او یک معلم است، معلمی که بسیار تلاش کرد تا «جهان را به قدر همت و فرصت خویش معنا کند» و شاگردان بسیاری پرورش داد، از کسانی که اکنون در ایران نیستند تا معاون اول رئیس جمهور دکتر پرویز داودی از جمله شاگردان او بودند. این گفت وگو به واسطه شأن علمی و تلاش معلمانه دکتر منوچهر فرهنگ استاد سابق دانشگاه و رئیس انجمن اقتصاد دانان ایران است که صورت گرفته است. خداوند او را سلامت بدارد.

[سید جواد سیدپور]

■آقای دکتر برای آشنایی ما و خوانندگان بفرمایید شما چه سالی و کجا متولد شدید؟

تولد من در شهر بابل بوده به سال ۱۲۹۷ در دوران سلطنت احمدشاه. من یک تا دو سالگی ام را در بابل به خاطر دارم. بعد پدرم به گرگان رفت و در آنجا متوطن شدیم و من در آنجا بزرگ شدم و تحصیلاتم را ادامه دادم.

■پدرتان چه کاره بود؟

پدرم آموزگار بود و نخستین کتاب کلاسیک تدریس در سال اول فارسی را پدر من در ایران نوشت. آن زمان کتاب های دیگری مثل «علم یتسألون عن النبا العظیم» تدریس می شد. پدرم کتاب فارسی برای سال اول ابتدایی تعریف کرد.

■تا کی در گرگان ماندید؟

تا پایان دوران تحصیلات ابتدایی در گرگان بودم ولی چون در آنجا برای ادامه تحصیلات امکانات نبود باید به تهران می آمدیم. سفر به تهران همانقدر مشکلات و هزینه داشت که سفر به خارج از کشور داشت. من دیپلم علمی ریاضی خود را در تهران گرفتم.

■چه شد که به اقتصاد علاقه مند و وارد این رشته شدید؟

چون فقیر بودم می خواستم که از طریق اقتصادی به زندگیم رونق بدهم. رفتم و اقتصاد خواندم. نخستین لیسانس من حقوق بود از دانشگاه تهران. بعد از این و بر سر سرخوردگی از رفتار نظام رفتم به فرانسه و در آنجا دکترای علوم اقتصادی گرفتم و رشته های مختلف در اقتصاد را گذراندم.

واحدهای زیادی ریاضیات خواندم. در آنجا زبان دومم انگلیسی بود که بعدها پایه تهیه فرهنگ علوم اقتصادی به زبان انگلیسی شد.

■بعد که لیسانس حقوق را گرفتید کجا مشغول به کار شدید؟

من در سازمان برنامه شروع به کار کردم.

■برای ادامه تحصیل به کدام دانشگاه فرانسه رفتید؟

به دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پاریس رفتم. این دانشگاه چند هزار نفر دانشجو داشت.

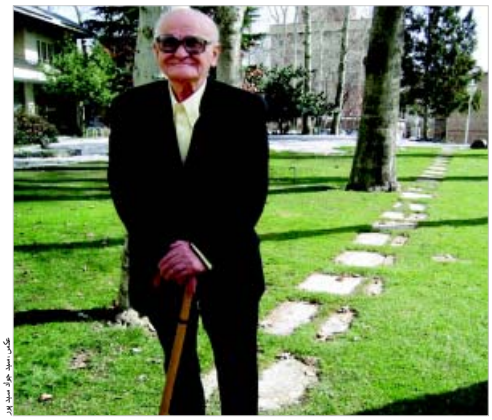

عکس: سید جواد سیدپور

■از اساتیدتان کسی را به یاد دارید؟

بله، مثلاً پرفسور لوم که بسیار سختگیر هم بود آنجا بود که الآن فوت کرده است. او به من آموخت که چگونه باید مطالعه کرد و چگونه باید کتاب نوشت.

■با این پرفسور لوم چه درسی داشتید؟

گمان می کنم تاریخ عقاید اقتصادی.

■گفتید که سخت گیر بود مثلاً چه کار می کرد؟

مثلاً برای امتحانات لیستی از صد کتاب می داد و می گفت من در امتحان از میان این صد کتاب سؤال خواهم داد.

■صد کتاب ...؟

بله، صد کتاب می داد. من به جهت آموختن و آموزش سر از پا نمی شناختم. هیچ مجال سلام و علیک با اشخاص نداشتم که سلامی بکنیم و بعد حال و احوالی بپرسیم، نه، اصلاً. حتی درباره من می گفتند که فلانی خیلی متکبر است. ولی من بیچاره کتابم در کتابخانه پهن بود تا دوباره برسم و شروع به خواندن بکنم. فرصت وراجی با رفقا را نداشتم.

یادم هست که استادی بود به نام رونه کورتن که کتابی داشت درباره تئوری اقتصادی. من پول نداشتم که این کتاب را بخرم. هر بار که می رفتم این کتاب را از کتابخانه بگیرم و مطالعه کنم یکی پیش تر از من می آمد و این کتاب را می گرفت. یک روز با خودم قرار گذاشتم که صبح زود ساعت ۶ بروم پشت در کتابخانه که از همه زودتر این کار را کرده باشم و کتاب را بگیرم. وقتی پشت در منتظر بودم تا در کتابخانه باز شود دیدم جوانی فرانسوی آمد کنار من ایستاد و فیشی در دست داشت. سلام و علیک کردیم و همانطور که منتظر بودیم کنجکاوی مرا وادار کرد تا فیش او را ببینم که چیست. دیدم ای داد او دنبال همان کتابی است که من هستم. نگو که هر روز این شخص کتاب را می گرفت و به من نمی رسید. البته او هم متوجه شد که من این کتاب را می خواهم.

در کتابخانه که باز شد «پاگذاشتیم به دویدن. من، پیر و او جوان، تمام قدرت خودم را روی زانوهایم گذاشتم و دویدم و رسیدم به جلوی میز و فیشم را رو به کتابدار گرفتم و کتابدار دستش را گذاشت روی دست من و گفت: کتاب مال آقاست. دیدم که او مأیوس کنار رفت. بعداً صدایش کردم و گفتم که بیا، تا ظهر من می خوانم و از ظهر تا چهار بعد از ظهر تو بخوان و از چهار بعد ازظهر به بعد هم دوباره من می خوانم، قبوله؟ او هم قبول کرد.

■این کتاب درمورد چی بود؟

این کتاب در مورد تئوری اقتصادی بود که بسیار کتاب مشکلی هم بود. بعدها در ایران فردی به نام دکتر خسرو ملاح استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی این کتاب را ترجمه کرده است.

■شما که این قدر مشتاق آموختن و مطالعه بودید معمولاً روزانه چقدر مطالعه داشتید؟ کی از خواب بیدار می شدید؟

گاه پیش می آمد که ساعت ۵ صبح بیدار می شدم و حتی شب ها هم می خوابیدم و تا صبح بیدار بودم. همسرم می آمد و می گفت که صبح شده الآن باید لباس بپوشی و بروی دانشکده. اینطوری کار و کوشش کردم.

■چند سال در پاریس بودید؟

من ۴ سال در پاریس بودم. دوره دکترای اقتصاد در آنجا از ۴ سال تا ۱۴ سال بود. کسانی بودند که اسمشان را هم نمی آورم. ۱۴ سال در آنجا تحصیل کردند و آخر هم نتوانستند دکترای خودشان را بگیرند.

■پایان نامه دکترای شما چه بود؟

مصائب و مشکلات برنامه ریزی در کشورهای رو به رشد.

■این رساله بعدها کتاب نشد؟

نه خیر، من دیگه افتادم در راه و فکر کینز.

■موقعی که برای تحصیل رفتید همسرتان را هم با خود برده بودید؟

بله، گاهی وقت ها آنجا بود و اواخر آمده بود ایران.

■شما آن موقع بچه هم داشتید؟

بله، دو تا دختر داشتم.

■والان چند تا دارید؟

کلاً چهار تا دختر دارم.

■شما با زن و دو تا بچه رفتید در یک کشور غریب و صبح تا شب درس می خواندید، پس چطوری امرار معاش می کردید؟

من کارمند سازمان برنامه بودم. مرحوم تفضلی سفیر کبیر ایران در یونسکو نامه ای برای مهندس اصفیا رئیس سازمان برنامه نوشت که حقوق ماهانه من را پرداخت کنند.

■این حقوق پرداخت می شد؟

قبلاً «تصدیق طبیب» می فرستادم.

■چی می فرستادید؟

«تصدیق طبیب» هر سه ماه می فرستادم.

■منظورتان این است که گواهی پزشکی می فرستادید؟

بله، هر سه ماه گواهی پزشکی می فرستادم.

■گواهی پزشکی برای چی؟

برای این که بگویم من در فرانسه مریض شدم و تحت معالجه هستم و برای همین نمی توانم سر خدمت حاضر بشوم. برای نجات از این گرفتاری مرحوم تفضلی بنده را به عنوان مأمور در یونسکو به اصفیا معرفی کرد.

یادم هست وقتی به مرحوم تفضلی گفتم که بنده در حال تحصیل در رشته اقتصاد در مقطع دکترای دولتی هستم با یک نگاه عاقل اندر سفیه به من کرد که این بیچاره با زن و بچه کی می تواند دکترای دولتی بگیرد.

■«دکترای دولتی» چطور مدرکی بود؟

«دکترای دولتی» از جمله مدارکی بود که در خود فرانسه بسیار اعتبار داشت. چون انواع مختلف دکترا «سکه قلبی است که بروند در مملکت خودشان خرج کنند. حق خرج این سکه را در فرانسه ندارند.» در واقع مدرکی را که خودشان داده بودند به رسمیت نمی شناختند.

■شما برای تحصیل در این مقطع «دکترای دولتی» فرانسه در امتحانی شرکت کرده بودید؟

بله، اما یک امتحان نبود. در مجموعه ای از امتحانات شرکت کردم تا توانستم قبول بشوم.

■وقتی که دکترا را گرفتم آمدم پیش مرحوم تفضلی، گفت چی کار کردی؟ گفتم دکترا گرفتم. گفت دکترای دولتی گرفتی؟

گفتم: بله. از پشت میز آمد و از سر تا پای مرا بوسید.

آن وقت گفت: روزی که آمده بودی و گفتی در این مقطع در حال تحصیل هستی در دلم مسخره ات کردم و گفتم که نمی توانی چنین کاری بکنی، منو ببخش، معذرت می خواهم. گفت حالا چی کار می خوای بکنی؟ گفتم: می خواهم بروم به مملکتم خدمت بکنم. نامه ای نوشت به مهندس اصفیا با این بیت که:

قدر زر، زرگر شناسد
قدر گوهر، گوهری

و سفارش مرا به اصفیا کرد. اما متأسفانه اطرافیان مهندس اصفیا اصلاً نگذاشتند او را ببینم. نامه را از من گرفتند که بدهند به مهندس اصفیا و مرا راه ندادند. من سرگردان بودم و کاری نداشتم. در حالی که نمونه من در سازمان برنامه وجود نداشت. از این فرصت استفاده کردم برای ترجمه کتاب کینز.

وقتی کتاب فرهنگ علوم اقتصادی را نوشتم فرمان فرمایان مدیرعامل سازمان برنامه بود. به من رسید و گفت که شنیدم یک فرهنگ نوشتی، گفتم بله ولی هنوز چاپ نشده، گفت بیا من به تو کمک می کنم.

من هم دستنوشته های فرهنگ علوم اقتصادی را در چمدانی ریختم و با ذوق و شوق رفتم به سازمان برنامه. این کاغذ سنگین که در چمدان بود به نظرم چون کاه آمد. نشستیم و صحبت کردیم. بخشی از یادداشت ها را برداشت و نگاهی کرد و گفت عجب راجع به «این» لغت چیزی نمی دانستم، راجع به «آن» لغت چیزی نمی دانستم، خلاصه مدام تعجب و شگفت زدگی ایشان بیشتر می شد. بالاخره گفت این نوشته ها را بگذار اینجا تا من بدهم بررسی بکنند تا کمکت بکنیم. با گفتن این حرف مثل این که آب سردی به روی من ریخته باشند گفتم: مگر در سازمان برنامه کسی به قد و قامت من در علم اقتصاد پیدا می شود که تو کتاب مرا می خواهی بدهی او بررسی بکند. گفت: این مقررات اینجاست. گفتم: مگه من براساس مقررات این کتاب را نوشتم که با مقررات با من رفتار کنید. من دکتر فرهنگم. یادداشت ها را جمع کردم و دوباره ریختم داخل چمدان. وقتی که برمی گشتم این چمدانی که درآمدن مثل کاه وزن داشت در برگشتن مثل آهن سنگین بود. این کتاب بعدها به وسیله انتشارات علمی چاپ شد.

■از خانواده تان بگویید و این که شما چند تا برادر و خواهر بودید؟

ما دو خواهر و پنج برادر بودیم.

■باقی اعضای خانواده شما هم به علم گرایش داشتند؟

بله آنها همه تحصیلکرده اند، برخی پزشک و تعدادی مهندس اند.

ادامه دارد

REEZMOUJ SYSTEM
قابل توجه کانون‌های فیلمبرداری
تولید و تکثیر CD، DVD و MiniCD با استفاده از جدیدترین سیستم های تکثیر صنعتی
پیشرفته ترین سیستم های چاپ با کیفیت بالا و سریع ترین زمان تحویل
پایین ترین قیمت با ضمانت صحت تکثیر
تهران - خیابان سمیه - روبروی هتل آزادی - شماره ۹۵ تلفن: ۲۴ -۸۸۳۲۸۷۰۱
بزرگترین کارخانه تولید CD و DVD خام و ضبط شده در خاورمیانه

تلفن ۱۲۲ آبفای شهرستان کرج پل ارتباطی با مردم
آگهی مناقصه عمومی
یک‌مرحله‌ای
شماره ۱۸۰/الف ج/۸۶
نوبت دوم
شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران در نظر دارد تامین و به کارگیری ۱۲ نفر نیروی انسانی مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
مدت پیمان: ۱۲ (دوازده) ماه شمسی می‌باشد.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت واریز نقدی به حساب شرکت و یا چک بانکی تضمین شده و یا ضمانتنامه بانکی می‌باشد.
مهلت تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۸۶/۱۲/۲۶ و محل تحویل اسناد اداره دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران می‌باشد.
تاریخ بازگشایی پاکات الف: ساعت ۱۴/۱۵ روز یکشنبه مورخ ۸۶/۱۲/۲۶ خواهد بود.
به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضا، مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
داوطلبان می‌توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه حداکثر ظرف مدت یک هفته از انتشار آگهی نوبت دوم با در دست داشتن معرفینامه به امور بازرگانی و قراردادهای شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران واقع در کرج، انتهای بلوار شهید چمران، ساختمان شماره یک، طبقه همکف مراجعه نمایند.
تلفن تماس امور بازرگانی و قراردادها: ۲۲۴۴۷۹۶-۰۲۶۱
شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران «سهامی خاص»

وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای یزد
آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۷۰م/۸۶
نوبت دوم
شرکت برق منطقه‌ای یزد: شرکت برق منطقه‌ای یزد
موضوع مناقصه: واگذاری تعمیرات و نگهداری پست‌های فوق توزیع استان یزد (بخش B)
تاریخ خرید اسناد مناقصه: ۸۶/۱۲/۲ لغایت ۸۶/۱۲/۱۶
محل خرید اسناد: یزد، بلوار دانشجو، جنب پارک شادی، شرکت برق منطقه‌ای یزد، معاونت مالی و پشتیبانی، امور تدارکات و قراردادها
محل تحویل پاکات مناقصه: یزد، بلوار دانشجو، جنب پارک شادی، شرکت برق منطقه‌ای یزد، معاونت مالی و پشتیبانی، امور تدارکات و قراردادها
تاریخ تحویل اسناد: تا ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۳۸۶/۱۲/۲۶
تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۳۸۶/۱۲/۲۶
مبلغ خرید اسناد مناقصه: ۱۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره «۹۰۰» نزد بانک ملی ایران شعبه بلوار جمهوری اسلامی یزد به نام شرکت برق منطقه‌ای یزد
مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی یا چک تضمینی بانکی در وجه شرکت برق منطقه‌ای یزد به مبلغ ۸۹/۵۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
به پیشنهادهای فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضا، مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
ضمناً می‌توانید این آگهی را در سایت اینترنتی www.tavanir.org.ir مشاهده نمایید.
شرکت برق منطقه‌ای یزد
معاونت مالی و پشتیبانی

وزارت جهاد کشاورزی
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان تهران
آگهی مناقصه
این شرکت در نظر دارد عملیات بارگیری و حمل و تخلیه انواع نهاده‌های کشاورزی از محل انبارهای خود به داخل و خارج استان به مقدار حدود ۸۰ هزار تن را از طریق مناقصه به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های حمل و نقل عمومی که دارای مجوز رسمی از سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور می‌باشند دعوت می‌گردد جهت اخذ شرایط مناقصه از تاریخ درج آگهی حداکثر به مدت ده روز به نشانی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، خیابان زرتشت غربی، نبش جویبار، پلاک ۷۳، مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۸۸۹۷۴۹۳۷ (آقای ثقفی) تماس حاصل فرمایند.
روابط عمومی شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان تهران

آگهی مزایده خودرو
شماره ۱۶-۱۲-۸۶
شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در نظر دارد خودروهای مشروحه زیر را از طریق مزایده به فروش برساند.
علاقمندان می‌توانند برای کسب آگاهی از شرایط فروش و محل بازدید خودروها و دریافت اسناد شرکت در مزایده از تاریخ صدور آگهی تا ۸۶/۱۲/۱۲ از ساعت ۸ صبح تا ۱۶ (به جز ایام تعطیل) به نشانی‌های:
تهران، خیابان سنول، پایین‌تر از چهارراه نیایش، جنب ۱۲ متری دوم، پلاک ۸۸، شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، طبقه پنجم، کمیسیون معاملات (تلفن: ۸۸۶۰۰۳۵۱)
اهواز، بلوار گلستان، ساختمان شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، بلوک ۸، امور قراردادها (تلفن: ۳۳۲۱۴۱۸-۰۶۱۱)
مراجعه نمایند.

۱- سواری رنو	۲ دستگاه
۲- انواع لندرور	۱۶ دستگاه
۳- انواع وانت	۱۶ دستگاه
۴- پاترول ۲ و ۴ درب	۸ دستگاه
۵- مینی‌بوس اپیوکو و بنز	۲ دستگاه
۶- اتوبوس بنز و شهاب	۲ دستگاه
۷- شورلت نوا	۲ دستگاه

شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران
نوبت دوم
آگهی مزایده عمومی
شماره ۰۰۱۰-۸۶ بوشهر

برگزارکننده مزایده	شرکت نفت فلات قاره ایران
مورد مزایده	فروش بشکه‌های فلزی خالی مستعمل
مقدار/میزان کالا	حدود سی هزار عدد
محل بازدید و تحویل کالا	دفتر نمایندگی فلات قاره - ناحیه بوشهر
نشانی سایت راهنما	WWW.IOOC.CO.IR
محل دریافت اسناد مزایده	تهران، خیابان ولی عصر (عج)، بالاتر از مسجد بلال، نرسیده به تقاطع مدرس، کوچه تورج، پلاک ۴۷، واحد فروش، طبقه ۵، اتاق ۰۳-۰۰۵
مهلت دریافت اسناد مزایده	لغایت ده روز پس از انتشار نوبت دوم آگهی
تلفن‌های تماس	۲۲۶۶۴۳۶۳-۲۳۹۴۲۵۱۹

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی تجدید مناقصه
شهرداری اصفهان
شهرداری اصفهان در نظر دارد تهیه لوله و اتصالات GRP و نیز اجرای پروژه عملیات لوله‌گذاری و نصب کابلهای کنترل زمینی و انجام کارهای مرتبط در طرح خط انتقال آب خیابان فرابیورگ را از طریق تجدید مناقصه بین تولیدکنندگان و فروشندگان معتبر به یک شرکت واگذار نماید.
لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد و مدارک و به منظور آگاهی از شرایط مناقصه، پیمان و سایر موارد مربوطه همه روزه از تاریخ ۸۶/۱۱/۲۹ تا پایان وقت اداری ۸۶/۱۲/۸ به دفتر معاونت خدمات شهری شهرداری واقع در خیابان کمال اسماعیل، نرسیده به پل فردوسی مراجعه نمایند.
ضمناً اسناد و مدارک تکمیل شده بایستی تا تاریخ ۸۶/۱۲/۱۳ به همان دفتر تحویل گردد.
شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
شهرداری اصفهان